

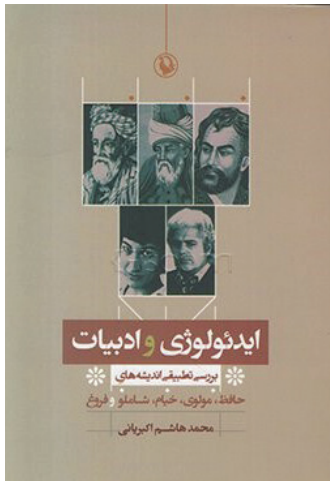


«ایدئولوژی و ادبیات؛ بررسی تطبیقی اندیشه‌های حافظ، مولوی، خیام، شاملو و فروغ»

... اثر محمد هاشم اکبریانی ...

به قلم دکتر محمد حسین امانت

دانش‌آموخته‌ی دکتری ادبیات غنایی دانشگاه شیراز



و برجسته، یعنی حافظ و مولوی چه دارد که به سرایش شعرهایی با مضمون بندگی و مریدبودن می‌انجامد. برای روشن‌شدن پاسخ این مسأله، عرفان حافظ و مولوی در برابر فلسفه‌ی خیام قرار می‌گیرد و باورهای عرفانی حافظ و مولوی همچون مرادباوری،

مطلق‌گرایی، اطاعت مطلق و پیروی محض، انفعال در برابر مراد و خودکامگی، بررسی و نقد می‌شود.

در فصل سوم با عنوان «حافظی که متعصب است»؛ اکبریانی به‌طور مستقل، به بررسی و تحلیل شعر حافظ می‌پردازد تا به باور خود، ثابت کند این شاعر استبدادستیز و تعصب‌گریز، در بیان باورهای خود بسیار متعصب است. درحقیقت نویسنده، در این فصل قصد دارد با ارائه‌ی شواهدی، جزم‌اندیشی و تعصب حافظ را در اشعارش، نشان دهد. او نگاه قطبی حافظ را از نشانه‌های بارز تعصب می‌داند و معتقد است، این قطبی‌سازی و نفی زاهد، صوفی، واعظ، شیخ و فقیه، به قطبی‌کردن گروه‌ها و افراد محدود نمی‌شود و روش‌ها و ابزار رسیدن به حقیقت همچون روش عقلی را نیز دربرمی‌گیرد و حافظ با نفی و انکار قاطعانه‌ی عقل در برابر عشق، معتقد است که روش عقلی، به‌سوی حقیقت هرگز راهگشا نخواهد بود. بدین منظور نویسنده‌ی این کتاب، اسطوره‌سازی و خودستایی را مصداق‌های بارز جزم‌اندیشی حافظ می‌داند.

در آخر باید گفت، کتاب **ایدئولوژی و ادبیات**، شاید به دلیل روحیه‌ی روزنامه‌نگاری نویسنده‌ی آن و همچنین ماهیت پیشین فصل‌های آن، یعنی چاپ نسخه‌های اولیه‌ی فصل‌ها، در روزنامه‌ها و نشریات مختلف، کتابی خوش‌خوان و مختصر و بعضاً مفید است. همچنین مباحث مطرح‌شده درباره‌ی حافظ و شعر او در این کتاب و به‌طور کلی بررسی متن‌های کهن با مفاهیم معاصر، به هر حال جذاب و شایان توجه است و البته با توجه به برخی عوامل همچون زمانه‌ی شاعر، سنت‌های شعری، سبک شاعر و نظرات متفاوت پژوهشگران، قابل تأمل.

بازنگری متن‌های کهن با رویکردهای جدید، همواره برای ادب‌دوستان، هم چالش‌برانگیز و هم جذاب بوده است. اکبریانی در **ایدئولوژی و ادبیات** تلاش کرده است با نگاهی تازه به اندیشه‌های شاعران کهنی همچون حافظ، مولوی و خیام و مقایسه‌ی آن با اندیشه‌های شاعران معاصر همچون شاملو و فرخزاد بپردازد.

کتاب **ایدئولوژی و ادبیات** با تیراژ ۵۵۰ نسخه‌ای در ۲۶۳ صفحه، تاکنون دوبار در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به‌همت نشر مروارید، به چاپ رسیده است. این کتاب در شانزده فصل، شامل مجموعه مقالاتی است که در چارچوب جامعه‌شناسی ادبیات، به بررسی تطبیقی اندیشه‌های حافظ، مولوی، خیام، شاملو و فروغ می‌پردازد.

به اعتقاد نویسنده، چکیده‌ی کلام این مقالات این است که شعر به‌عنوان محملی از اندیشه‌های ایرانی از ابتدا شاهد دو شاخه بوده است: شاخه‌ای که بنای آن بر تمرکزگرایی در اندیشه و عمل بوده و شاخه‌ای دیگر که بر تکثرتکیه داده است. اکبریانی، برای ردیابی این دو شاخه، از شعرهای حافظ و مولوی و خیام شروع کرده و به شعر معاصر شاعرانی همچون شاملو و فروغ رسیده است.

کمتر از نیمی از این کتاب، در سه فصل با عنوان‌های «رویارویی عرفان و تجدد»، «جزم‌اندیشی حافظ و مولوی» و «حافظی که متعصب است»؛ مستقیم و غیرمستقیم، به شعر حافظ و اندیشه‌های بازتاب داده‌شده در آن اختصاص دارد. آیا حافظ تعصب‌ستیز، خود شاعری متعصب است؟ درواقع، پاسخ به این پرسش درونمایه‌ی اصلی این سه بخش از کتاب محمد هاشم اکبریانی؛ روزنامه‌نگار باسابقه است.

در فصل نخست، با عنوان «رویارویی عرفان و تجدد»، اکبریانی با پرداختن به مفاهیم متقابلی همچون «عقل‌ستیزی و عقل‌گرایی»، «تمرکزگرایی و تکثرگرایی» و «حکومت‌های اقتدارگرا و حکومت‌های دموکراتیک» شالوده‌ی نظری مباحث فصل‌های بعدی کتاب **ایدئولوژی و ادبیات** را پی می‌ریزد.

در فصل دوم، با عنوان «جزم‌اندیشی حافظ و مولوی؛ مقایسه‌ی افکار خیام با دو شاعر عارف»، نویسنده با بیان شواهد شعری، به دنبال پاسخ به این سوال است که اندیشه‌های دو شاعر بزرگ

